

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

محدوده تأثیر رضاع در حرمت نکاح

دکتر سید مصطفی سعادت مصطفوی
استادیار دانشگاه امام صادق (علیه السلام)



دانشگاه امام صادق

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
تهران: بزرگراه شهید چمران،
پل مدیریت
تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
صندوق پستی: ۱۵۹-۱۴۶۵۵
E-mail: isu.press@yahoo.com

محدوده تأثیر رضاع در حرمت نکاح ■ تألیف: دکتر سید مصطفی مصطفوی
ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) ■ طراح جلد: رضیه سادات موسوی ■ ویراستار: محسن آقاسی ■ چاپ اول: ۱۳۸۹
قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه ■ چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۱۱-۱
همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: سعادت مصطفوی، مصطفی، saadat mustafavi, mostafa، ۱۳۵۱، پدیدآور
عنوان و نام پدیدآور: محدوده تأثیر رضاع در حرمت نکاح / سید مصطفی سعادت مصطفوی
تألیف: دکتر سید مصطفی مصطفوی
مشخصات نشر: تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری: ۱۲۴ ص
قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۱۱-۱
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: نمایه
موضوع: زناشویی (فقه)
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
شماره کتابشناسی ملی: ۱۴۸۰۱۲۳

فهرست اجمالی

۱.....	سخن ناشر
۳.....	پیشگفتار
۵.....	مقدمه: (طرح مسئله)
۹.....	فصل اول: مستند و حدود قاعده رضاع
۲۵.....	فصل دوم: آراء فقهی در تأثیر رضاع
۳۷.....	فصل سوم: ادله و براهین نظرات
۶۹.....	فصل چهارم: مصادیق حرمت رضاعی در پرتوی آراء
۹۹.....	فصل پنجم: بررسی حقوقی (دیدگاه‌ها)
۱۰۷.....	کتابنامه
۱۱۵.....	نمایه

فهرست تفصیلی

۱	سخن ناشر
۳	پیشگفتار
۵	مقدمه: (طرح مسئله)
۹	فصل اول: مستند و حدود قاعده رضاع
۹	مبحث اول: درآمد بحث
۱۲	مبحث دوم: تحلیل واژه «ما» در حدیث شریف
۱۶	مبحث سوم: ازدواج‌های مشمول قاعده رضاع
۱۶	عنوان اول: ازدواج‌های محرّم غیر دائمی
۱۷	عنوان دوم: علت تامه نبودن نسب در حرمت ازدواج
۱۷	بند اول: موجبات تامه و بسیط
۱۸	بند دوم: موجبات مرکب
۲۵	فصل دوم: آراء فقهی در تأثیر رضاع

د □ محدوده تاثیر رضاع در حرمت نکاح

مبحث اوّل: در آمد.....	۲۵
مبحث دوّم: نکاتی در رابطه با آیه ۲۳ سوره نساء.....	۲۶
عنوان اوّل: سیر صعودی و نزولی عناوین محرّم.....	۲۶
عنوان دوّم: شمول یکسان آیه در رابطه با مردان و زنان.....	۲۸
عنوان سوّم: متعلق حرمت در آیه شریفه.....	۲۸
مبحث سوّم: آرا و نظرات.....	۲۹
عنوان اوّل: نظریه انحصار.....	۲۹
عنوان دوّم: نظریه تعمیم.....	۳۰
مبحث چهارم: بعضی مصادیق مورد اختلاف بین دو نظریه.....	۳۳
فصل سوّم: ادله و براهین نظرات.....	۳۷
مبحث اوّل: مقتضای اصل و قاعده.....	۳۷
عنوان اوّل: شبهه مصداقیه.....	۳۷
عنوان دوّم: شبهه حکمیه.....	۳۹
بند اوّل: ادله فقاهتی.....	۳۹
۱. اصل حلّیت یا اباحه در شبهات حکمیه تحریمیّه.....	۴۰
۲. اصل استصحاب در شبهات حکمیه تحریمیّه.....	۴۲
بند دوّم: ادله اجتهادی.....	۴۴
مبحث دوّم: مقتضای احادیث وارده.....	۴۶
عنوان اوّل: مقتضای حدیث عام «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ».....	۴۶
عنوان دوّم: مقتضای احادیث خاص.....	۵۲
مبحث سوّم: نظرات در تفسیر احادیث خاص.....	۵۵
عنوان اوّل: مخالفین توسعه.....	۵۵
عنوان دوّم: موافقین توسعه.....	۵۷

فصل چهارم: مصادیق حرمت رضاعی در پرتوی آراء.....	۶۹
مبحث اوّل: درآمد بحث.....	۶۹
مبحث دوّم: مرتضع.....	۷۰
عنوان اول: حرمت ازدواج مرضعه با مرتضع.....	۷۰
عنوان دوم: حرمت ازدواج «پدر و مادر» مرضعه با مرتضع.....	۷۰
عنوان سوم: حرمت ازدواج عمه و عمو، دایی و خاله مرضعه با مرتضع.....	۷۱
عنوان چهارم: حرمت ازدواج برادر و خواهر مرضعه با مرتضع.....	۷۱
بند اول: خواهر و برادر نسبی مرضعه.....	۷۱
بند دوم: خواهر و برادر رضاعی مرضعه.....	۷۱
عنوان پنجم: حرمت ازدواج فرزندان مرضعه با مرتضع.....	۷۶
بند اول: فرزندان نسبی مرضعه.....	۷۶
بند دوم: فرزندان رضاعی مرضعه.....	۷۹
عنوان ششم: حرمت ازدواج فرزندان نسبی و رضاعی فحل با مرتضع.....	۷۹
عنوان هفتم: حرمت ازدواج فرزندان مرتضع با فرزندان مرضعه.....	۸۰
عنوان هشتم: حرمت ازدواج خواهر و برادران نسبی مرتضع با فرزندان نسبی مرضعه.....	۸۱
عنوان نهم: حرمت ازدواج خواهر و برادران نسبی مرتضع با فرزندان نسبی فحل.....	۸۳
عنوان دهم: حرمت ازدواج فحل با مرتضع.....	۸۳
عنوان یازدهم: حرمت ازدواج «پدر و مادر» فحل با مرتضع.....	۸۴
عنوان دوازدهم: حرمت ازدواج «برادر و خواهر» نسبی و رضاعی فحل با مرتضع.....	۸۴
عنوان سیزدهم: حرمت ازدواج فرزندان فحل با مرتضع.....	۸۵
مبحث سوم: مرضعه.....	۸۵
عنوان اول: حرمت ازدواج مرضعه با مرتضع.....	۸۵
عنوان دوم: حرمت ازدواج مرضعه با فرزندان مرتضع.....	۸۵

و □ محدوده تاثیر رضاع در حرمت نکاح

مبحث چهارم: فحل	۸۷
عنوان اول. حرمت ازدواج فرزندان مرتضع با فحل	۸۷
عنوان دوم. حرمت ازدواج فحل با مرتضع	۸۸
مبحث پنجم: ابوالمرتضع	۹۰
عنوان اول. حرمت ازدواج فرزندان مرضعه با ابو المرتضع	۹۰
بند اول. حرمت ازدواج فرزندان نسبی مرضعه با ابو المرتضع	۹۰
بند دوم. حرمت ازدواج فرزندان رضاعی مرضعه با ابوالمرتضع	۹۱
عنوان دوم. حرمت ازدواج فرزندان فحل با ابوالمرتضع	۹۴
فصل پنجم: بررسی حقوقی (دیدگاه‌ها)	۹۹
مبحث اول	۹۹
مبحث دوم	۱۰۲
کتابنامه	۱۰۷
نمایه	۱۱۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا

عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن مجید. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

تربیت اسلامی، مرجعیت علمی

«کاری کنید که دانشگاه امام صادق علیه السلام ... مرجع تحقیقات مراکز

علمی و دانشگاه‌های دنیا بشود»
مقام معظم رهبری^۱

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش

^۱ از بیانات مقام معظم رهبری در ملاقات اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) مورخ

۲ □ محدوده تاثیر رضاع در حرمت نکاح

از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

پیشگفتار

یکی از مباحث مهم فقهی، موارد ازدواج‌های محرم از منظر فقه امامیه است. این موضوع در کتاب النکاح در آثار فقهی به تفصیل بیان و مورد تحقیق قرار گرفته است. به طور معمول فقهاء در نکاح محرم سه عامل (نسب، سبب، رضاع) را بر می‌شمارند. از این میان عامل «رضاع» به سبب این که از تأسیسات خاص در این حوزه محسوب است، دارای جایگاه ویژه‌ای است. فقهاء معظم در این رابطه مطالب زیادی را نگاشته‌اند که این تحقیقات یا در لابلای مباحث کتاب النکاح و یا به صورت قاعده فقهی در کتب قواعد فقه^۱ و یا در قالب تکننگاری‌های فقهی به صورت رساله‌های مستقل^۲ به انجام رسیده است. اساس تحقیق در این نوشتار، یکی از موضوعات مطرح شده در قاعده رضاع است. در واقع در بحث رضاع دو محور اصلی وجود دارد. یکی

۱. در این مورد می‌توان از کتابهای العناوین الفقیه محقق میر فتاح یا القواعد الفقهیه محقق میرزا حسن بجنوردی نام برد.

۲. برای نمونه می‌توان در این رابطه به رساله شیخ مرتضی انصاری موسوم به کتاب النکاح یا رساله مرحوم آخوند خراسانی موسوم به کتاب الرضاع یا رساله آیت الله خوئی موسوم به احکام الرضاع فی فقه الشیعه یا رساله سید عماد معروف به داماد موسوم به ضوابط الرضاع اشاره نمود.

۴ □ محدوده تاثیر رضاع در حرمت نکاح

محدوده تاثیر رضاع و دیگری شرایط تحقق آن است. از آنجا که تاثیر رضاع به شدت متأثر از روابط نسبی است به طوری که در لسان روایی این جمله به عنوان یک قاعده (يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ) بیان گردیده، ضروری است این تاثیر و تأثر و محدوده آن مورد تحقیق جامع قرار گیرد که آیا در نشر حرمت به رضاع اثبات معادل روابط نسبی کافی است یا علاوه بر آن باید عنوانی در رضاع احراز گردد که از عناوین محرم مصرح در روابط نسبی باشد. این مطلب دارای آثار عملی مهمی است که درخور توجه و دقت است. هر چند به این مسئله در تحقیقات فقهی در رضاع پرداخته شده، اما مورد تحقیق مستقل واقع نگردیده و چون دارای نتایج عملی است، ضروری است به این مهم جداگانه رسیدگی شود. سعی بر آن بوده تمامی مدارک و مستندات محوری و اساسی که در استنتاجات فقهی موثر بوده و همچنین فتاوا و آراء فقهی مهم که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته، پیش روی خواننده قرار گیرد تا از مراجعه به منابع متنوع و متعدد مستغنی باشد. به نظر می رسد این نوشته اولین کار مستقل در این زمینه است لذا تذکر بزرگان و فضلاء در ارتقاء آن لازم و ضروری است.

مقدمه: (طرح مسئله)

یکی از موجبات حرمت و بطلان نکاح در شریعت اسلام «رضاع» است چنانچه در آیه شریفه ۲۳ سوره نساء در رابطه با موارد حرمت ازدواج می‌فرماید:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَ
خَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي
أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَ
رَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ
فَإِنْ لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ
أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا
مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً.

حرام شده است بر شما (ازدواج با) مادرانتان، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر، دختران خواهر شما، مادرانی که شما را شیر داده‌اند، خواهران رضاعی شما، مادران همسرانتان، دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی

که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید- و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد- و (همچنین) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده‌ها) و (نیز حرام است بر شما) جمع میان دو خواهر کنید، مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چرا که خداوند، آمرزنده و مهربان است.

در سببیت رضاع در حرمت نکاح دو بحث اساسی مطرح است: ۱. محدوده تأثیر رضاع در حرمت نکاح ۲. ارکان و شرایط تحقق رضاع، اما آنچه در این نوشتار محور تحقیق است، دایره تأثیر رضاع با وجود همه ارکان و شرایط تحقق آن است. سؤال اصلی و مهم در این رابطه این است که قاعده رضاع نسبت به چه روابط نسبی عامل نشر حرمت است؟ این سؤال از آن جا مورد توجه است که در روایات و نصوص شرعی ما این عبارت «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» که حاکی از تاسیس قاعده‌ای کلی در این زمینه است، آمده است. همین معنا در صدر ماده ۱۰۴۶ ق. م. تبلور یافته است: «قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح، در حکم قرابت نسبی است...»

از ظاهر این عبارات چنین مستفاد است که دایره تأثیر رضاع، محرّمات نسبی است. یعنی هر ازدواجی در حوزه روابط نسبی ممنوع است در معادل و نظیر رضاعی آن هم حرام و باطل است. اما مسئله مهم در این رابطه حدود و ثغور این تأثیر است. مثلاً اگر زنی پسری را با شرایط خاص شیر دهد، این زن، مادر رضاعی او محسوب است اما آیا ازدواج برادر نسبی آن پسر با آن زن (مرضعه) حرام است؟ به دیگر سخن این زن که مادر رضاعی طفل است به منزله مادر رضاعی برادر او نیز هست؟ تا ازدواج با او حرام و ممنوع باشد؟ چون در چنین حالتی در روابط نسبی، قطعاً ازدواج برادر آن طفل با مادر نسبی او ممنوع و حرام و مصداق «ما یحرم من النسب» است.

اگر زنی پسر شخصی را شیر دهد و آن زن یا شوهر او (صاحب اللبن) دارای دختر باشد، آیا ازدواج پدر آن پسر با آن دختر که خواهر رضاعی فرزندش است، حرام است؟ چون ازدواج با خواهر فرزند در حالت نسب حرام و مصداق بارز «ما یحرم من النسب» است.

برای تبیین بیشتر مسئله می توان این سؤال را به عنوان اصلی ترین محور این جستار مطرح نمود که آیا در تمامی مواردی که در رابطه نسبی نکاح باطل است، در رابطه رضاعی معادل آن هم، ازدواج حرام است؟ یا می توان برای آن محدودیتی در نظر گرفت به طوری که موردی باشد از نظر نسبی ازدواج حرام باشد اما از نظر رضاعی ازدواج دارای مشکل و ممنوعیتی نباشد. به دیگر سخن آیا تنزیل رضاع به نسب در حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» منحصر به عناوین و محرم مصرح در نصوص شرعی است یا شامل عناوین دیگری که از آنها نامی به میان نیامده ولی با این وجود در حرمت نکاح آن در نسب تردید وجود ندارد هم می شود؟

پاسخ صحیح به این سوالات مستلزم تحقیق جامع در مستندات روایی و مبانی فقهی در این زمینه است و سعی بر آن است در این نوشتار این مهم به سرانجام رسد و در یک بررسی عملی، مصادیق و موارد روابط رضاعی با توجه به مبانی فقهی مطرح شده، بیان و مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد.

فصل اول: مستند و حدود قاعده رضاع

مبحث اول: در آمد بحث

سببیت رضاع در حرمت نکاح فی الجمله مورد اتفاق نظر فقها اسلامی است هر چند در خصوصیات و شرائط تحقق آن اختلاف نظر وجود دارد. در این رابطه اخبار مستفیضه بسیاری وجود دارد که همگی بیان‌گر قاعده کلی در بحث حرمت نکاح به سبب رضاع هستند.

قبل از بیان هر مطلبی ضروری است روایات موجود در این زمینه بیان و محتوای آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد تا مرزهای رابطه رضاعی نمایان گردد. روایاتی که به صورت قاعده‌ی کلی بیان‌گر محدوده تأثیر رضاع هستند از این دو تعبیر خارج نیستند:^۱

الف. یَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ الْقَرَابَةِ

۱. محدث کبیر حرعاملی در کتاب گرانسنگ وسائل شیعه بخشی را تحت عنوان «ابواب ما یحرم بالرضاع» مختص به بحث رضاع قرار داده که باب اول آن در رابطه با احادیثی است که در بیان قاعده کلی رضاع است که مشتمل بر ۱۰ است. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۳۷۱ به بعد.

۱۰ □ محدوده تاثیر رضاع در حرمت نکاح

ب. يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ

با وجود اندک تفاوت ظاهری بین این دو تعبیر، محتوای هر دو یکسان است. البته تعبیر اول تنها در یک روایت بیان گردیده و آن روایت عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام است:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ الْقَرَابَةِ^۱.

اما تعبیر دوم در روایات متعدد و فراوان بکار رفته که کوچکترین تردیدی در صدور آن از معصوم وجود ندارد لذا معروف به اخبار مستفیضه‌اند مانند روایت نبوی منقول از ابی جعفر علیه السلام:

۱. رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع) أَرَأَيْتَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ فَسَّرَهُ لِي فَقَالَ كُلُّ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ مِنْ لَبَنٍ فَحَلَّهَا وَكَدَّ امْرَأَةٌ أُخْرَى مِنْ جَارِيَةٍ أَوْ غُلَامٍ فَذَلِكَ الرَّضَاعُ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ كُلُّ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ مِنْ لَبَنٍ فَحَلَّيْنِ كَانَا لَهَا وَاحِدًا بَعْدَ آخَرَ مِنْ جَارِيَةٍ أَوْ غُلَامٍ فَإِنَّ ذَلِكَ رَضَاعٌ لَيْسَ بِالرَّضَاعِ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ^۲.

۲. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ

۱. نقه الاسلام كليني، الكافي ج ۵ ص ۴۳۷

شيخ طوسي، تهذيب الاحكام، ج ۷ ص ۲۹۱

۲. شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۴۷۵

إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّضَاعِ فَقَالَ يَحْرُمُ مِنَ
الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ.^۱

لازم به ذکر است ادله دال بر حرمت رضاع تنها منحصر به ادله عامه که محور اصلی این نوشتار است، نمی باشد. در متون روایی احادیثی وجود دارد که به صورت خاص موارد حرمت نکاح رضاعی را بر می شمارد. البته این موضوع منافاتی با بحث اصلی ما ندارد. برای نمونه به بعضی از این احادیث شریف اشاره می گردد:^۲

۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ
اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا يَصْلِحُ لِلْمَرْأَةِ أَنْ
يُنْكَحَهَا عَمُّهَا وَلَا خَالَهَا مِنَ الرَّضَاعَةِ.

۲. عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ عَنِ
مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ
صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ أَبِي الْحَسَنِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ
أَرْضَعْتُ أُمَّي جَارِيَةً بِلَبَنِي فَقَالَ هِيَ أُخْتُكَ مِنَ الرَّضَاعَةِ.

۳. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ
عَنْ مَسْعُودَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَحْرُمُ مِنَ
الْإِمَاءِ عَشْرٌ لَا تَجْمَعُ بَيْنَ الْأُمِّ وَالْإِبْنَةِ إِلَى أَنْ قَالَ وَ لَا أُمَّتَكَ
وَ هِيَ عَمَّتُكَ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَ لَا أُمَّتَكَ وَ هِيَ خَالَتُكَ مِنَ

۱. وسائل الشيعه ج ۲۰ ص ۳۷۱

۲. وسائل الشيعه ج ۲۰ ص ۳۹۷ به بعد

الرَّضَاعَةُ وَلَا أُمَّتَكَ وَهِيَ أُخْتُكَ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَلَا أُمَّتَكَ
وَ هِيَ ابْنَةُ أُخِيكَ مِنَ الرَّضَاعَةِ.

مبحث دوم: تحلیل واژه «ما» در حدیث شریف

محور بررسی محتوایی در این نوشتار حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» است و از آن جا که این قاعده عیناً نص شرعی است بایستی به واژگان آن دقت نمود.

یکی از مطالب مهم در این حدیث شریف تبیین صحیح معنای واژه «ما» است. کلمه «ما» از نظر دستوری در این حدیث شریف موصول اسمی است که در معنای آن دو احتمال وجود دارد.

عنوان اول: منظور از «ما» فردی باشد که در حالت نسب ازدواج با او حرام است. این احتمال خود به دو صورت متصور است:
بند اول: مراد از «ما» فردی معین و مشخص است.

بنابراین معنا، هر شخصی که در حالت نسب ازدواج با او حرام است، در حالت رضاع هم ازدواج با او حرام و ممنوع است. این معنا قطعاً قابل پذیرش نیست، زیرا شخصی که ازدواج با او نسباً حرام است، معنا ندارد ازدواج با همان شخص رضاعاً حرام باشد. به دیگر سخن ممکن نیست زنی که قصد ازدواج با مردی را دارد هم خواهر نسبی او باشد و هم خواهر رضاعی او.^۱
بند دوم: مراد از «ما» نوع آن فرد است نه شخص آن.

بنا بر این معنا «ما» کنایه از عناوین محرم در نسب مانند اخوت و بنوت و... است؛ به این معنا که هر عنوانی که از جهت نسب موجب حرمت است

۱. سید محمد بحر العلوم، بلغه الفقیه ج ۳ ص ۱۳۰

نظير آن از جهت رضاع هم موجب حرمت است.^۱ این تفسیر یکی از شایع‌ترین تفاسیر از حدیث شریف بین محققین است.^۲ بنابراین همان‌طور که عنوان خواهر رضاعی از محرمات در نکاح محسوب است. نظیر همین عنوان در رابطه رضاعی موجب حرمت و بطلان ازدواج است به‌طوری‌که حدیث شریف را به این بیان تعبیر نموده‌اند «یحرم من الرضاع نظیر کل عنوان من العنوانات النسبیه التي تحرم من جهة النسب»^۳

۱. آیت الله خوئی در نقد این احتمال می‌فرماید: «اما ارادة النوع منها- بأن تكون كناية عن العنوين التي هي مورد الحكم بالحرمة في باب النكاح كالأومة و النوة و الاخوة ليكون المعنى: ان كل عنوان محرم من جهة النسب يحرم نظيره من جهة الرضاع- فيبعدها أنها خلاف الظاهر. إذ الظاهر ان المحرم بالرضاع هو نفس المحرم بالنسب لا نظيره، مضافا الى استزمامها استعمال لفظ (ما) في من يعقل.» محمد تقی ایروانی و سید محمد موسوی خلخالی. احکام الرضاع فی فقه الشیعه ص ۲۵

۲. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام ج ۲۹ ص ۳۰۹

بلغه الفقیه ج ۳ ص ۱۳۰

سید احمد خوانساری، جامع المدارک ج ۴ ص ۱۷۸

شیخ انصاری در تحلیل کلمه ما می‌فرماید: «قبل ذکر أحكامهما لا بد من بیان ضابطه للتحريم في الرضاع، فنقول: إن المستفاد من قوله صلى الله عليه واله وسلم: (يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب) أن كل عنوان قد حمل عليه الشارع التحريم من جهة علاقة نسبية، فهذا العنوان يحرم من جهة نظير تلك العلاقة من الرضاع وذلك لا بمعنى أن كل شخص حرم من النسب فهو بعينه حرام من الرضاع، إذ لا شك في عدم إرادة هذا المعنى، لأن نفس المحرم بالنسب ليس محرما بالرضاع. فالمراد ب(ما) الموصولة في الحديث هو عنوان كلي مشترك بين ما يحصل بالنسب وبين ما يحصل بالرضاع، تعلق التحريم به من جهة النسب باعتبار بعض أفراد، وهو الحاصل بالنسب، وتعلق التحريم به من جهة الرضاع باعتبار بعض أفراد، وهو الحاصل بالرضاع. مثلا يصدق على عنوان الام- الذي هو شيء واحد بالوحدة، النوعية الغير المنافية مع تكثر الاشخاص - أنها تحرم من جهة النسب، وتحرم من جهة الرضاع... فلا بد في الكلام من تقدير، بأن يراد (أنه يحرم من الرضاع نظير كل عنوان من العنوانات النسبية التي تحرم من جهة النسب) وهذا التقدير هو الذي ارتكبه جمع كثير من الفقهاء المتأخرين في تفسير الحديث ثم إن العنوان الذي يحرم من جهة النسب ليس إلا أحد العنوانات المتعلقة بها التحريم في لسان الشارع، كالام، والبنات، والاخت، وغيرهن من المحرمات المذكورة في الكتاب والسنة.» شيخ مرتضى انصاری، كتاب النكاح ص ۳۲۷

۳. كتاب النكاح ص ۳۲۸

عنوان دوم: منظور از «ما» فعل و عملی است که در حالت نسب حرام و ممنوع است. این احتمال هم به دو صورت متصور است:

بند اول: مراد از «ما» عمل نکاح است.

بنابراین معنای روایت این گونه است که هر ازدواجی که از جهت نسب حرام است از جهت رضاع هم حرام و باطل است. پس همان طور که نکاح با مادر نسبی حرام و ممنوع است، ازدواج با مادر رضاعی نیز حرام و ممنوع است.

بند دوم: مراد از «ما» مطلق عمل است.^۱

بنا بر این معنا هر عملی که از جهت نسب حرام و ممنوع است، همان عمل از جهت رضاع نیز حرام است از جمله ازدواج. اما حرمت مذکور منحصر به نکاح نیست و شامل هر عمل دیگری که در حال نسب محرم و ممنوع است، می شود.^۲ البته در مقابل بعضی از فقها با این نظریه مخالفت نموده و معتقدند

۱. این دیدگاه را آیت الله خوئی مطرح نموده و در توضیح آن چنین می فرماید: «و الذی یقوی فی النظر ان تكون (ما) کنایة عن الفعل، فیکون المعنی: ان الفعل الذی یحرم من جهة النسب یحرم من جهة الرضاع أيضاً، فنکاح الام النسبیه محرم من جهة النسب، فکذا نکاح الام الرضاعیه محرم من جهة الرضاع. و علیه، فالجملة الشریفة بمقتضى إطلاق الموصول فیها بإطلاق صلته نعم کل حکم تحریمی مترتب علی النسب و لا یختص بباب النکاح، مثلاً: یحرم تملک الام و الأب النسبیین، فکذا الام و الأب الرضاعیین بمقتضى إطلاق الجملة الشریفة.....والحاصل ان مقتضى إطلاق الجملة الشریفة و الخبرین المتقدمین تنزیل الرضاع منزلة النسب فی کل حکم تحریمی مترتب علی النسب من غیر اختصاص بباب النکاح.» احکام الرضاع فی فقه الشیعه ص ۲۵

۲. بنابراین همان طور که تملک پدر و مادر نسبی حرام است همان طور هم تملک پدر و مادر رضاعی حرام و ممنوع است. این مطلب موید به روایات متعددی است از جمله:

۱. صحیح عبدالله سنن از امام صادق ع. «قال مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ یَعْنِی عُبَیْدَ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سُبُلٌ وَأَنَا حَاضِرٌ عَنْ امْرَأَةٍ أَرْضَعَتْ غُلَامًا مَمْلُوكًا لَهَا مِنْ لِبْهَا حَتَّى فَطَمَتْهُ هَلْ لَهَا أَنْ تَبِيعَهُ فَقَالَ لَا هُوَ ابْنُهَا مِنَ الرُّضَاعَةِ حَرْمٌ عَلَيْهَا بَيْعُهُ وَ أَكْلُ نَمْلِهِ ثُمَّ قَالَ أَلَيْسَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ یَحْرُمُ مِنَ الرُّضَاعِ مَا یَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۰۵

محدوده این حدیث شریف تنها نکاح و دیگر اعمالی است که دلیل خاص بر آن اقامه گردیده است. (مثل اعتناق) بنابراین در دیگر اعمال ممنوع در عناوین نسبی، باید تفسیر مضیق نمود و دامنه آن را در همان حوزه نسب محدود نمود. مثلاً در حالت نسب قصاص پدر به سبب قتل فرزند نسبش ممنوع است و یا اجرای حد سرقت برای پدری که اموال فرزندش را ربوده ممنوع و غیر مجاز است، حال آیا همین احکام ممنوع در نسب، برای حالت رضاع هم جاری و ساری است؟ مخالفین معتقدند دلیلی برای این توسعه وجود ندارد و نمی توان به این حدیث شریف در این موارد استناد نمود.^۱

۲. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَنَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ أَبِي الْعَبَّاسِ وَ عُبَيْدِ كُلُّهُمُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ إِذَا مَلَكَ الرَّجُلُ وَالِدِيهِ أَوْ أُخْتَهُ أَوْ عَمَّتَهُ أَوْ خَالَتَهُ أَوْ بِنْتَ أُخِيهِ أَوْ بِنْتَ أُخْتِهِ وَ ذَكَرَ أَهْلَ هَذِهِ الْآيَةِ مِنَ النِّسَاءِ عَتَقُوا جَمِيعاً وَ يَمْلِكُ عَمَّهُ وَ ابْنَ أُخِيهِ وَ ابْنَ أُخْتِهِ وَ الْخَالَ وَ لَا يَمْلِكُ أُمَّهُ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَ لَا أُخْتَهُ وَ لَا عَمَّتَهُ وَ لَا خَالَتَهُ إِذَا مَلَكَ عَتَقَهُ وَ قَالَ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ فَإِنَّهُ يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ.....» وسائل الشريعة ج ۱۸ ص ۲۴۷ چنانچه از این احادیث مستفاد است حضرت به اطلاق (مايحرم من الرضاع...) حکم به بطلان فروش فرزند رضاعی و عدم تملک مادر رضاعی نموده همانطور که فروش فرزند نسبی یا تملک مادر نسبی مردود است.

۱. یکی از مخالفین این دیدگاه محقق میرزا حسن بجنوردی است. ایشان در نقد این نظر می فرمایند: «و من جملتها: عدم قود الوالد بقتل ولده، فإنه في الولد نسبا لا يقتل الوالد إن قتل ولده، و إن ثبت ذلك ببيئنة أو إقرار، و لكن الأب الرضاعي لو قتل ابنه الرضاعي أو بنته يقتل بهما. و من جملتها: أن الوالد نسبا لا يقض يده بسرقة مال ولده نسبا، و لكن الأب الرضاعي لو سرق مال ولده الرضاعي يقطع....» و السر فی ذلك كله: أن الأدلة الدالة على هذه الأحكام ترتب فيها هذه الأحكام على نفس هذه العناوين و هذه العناوين إما حقيقة في خصوص ما إذا كانت حاصلة من النسب- و استعمالها في الإضافة الحاصلة من الرضاع يكون بالناية و برعاية مع المعنى الحقيقي، فتكون الحاصلة من الرضاع خارجة عن تحت تلك المفاهيم و لا تشملها- أو تكون تلك المفاهيم منصرفه عن الحاصلة من الرضاع، و إن قلنا بأنها حقيقة فيها أيضا. و قوله صلى الله عليه و آله: «يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب» فالظاهر منه أن التنزيل بلحاظ حرمة النكاح فقط. و في ترتب غير حرمة النكاح من آثار هذه العناوين إذا كانت حاصلة من النسب على الحاصلة من الرضاع يحتاج إلى وجود دليل خاص يدل عليه، كما ادعينا في الاعتناق إذا ملكهن» سيد میرزا حسن موسوی بجنوردی القواعد الفقهية ج ۴ ص ۳۹۴

نظر نهایی: از میان تفاسیر مذکور تفسیر سابق (که کلمه «ما» را ناظر به نوع می دانست) و اخیر (که کلمه «ما» را ناظر به فعل نکاح و افعال دیگری که دلیل خاص بر آن اقامه گشته، می دانست) صحیح تر به نظر می رسد. بنابراین، حدیث شریف به حسب اطلاق موصول و صله اش در مقام بیان این مطلب کلی است که رضاع قائم مقام و نازل منزل نسب در همه احکام تحریمی مترتب بر آن است چه حکم تحریمی نکاح و چه غیر آن.^۱

مبحث سوّم: ازدواج های مشمول قاعده رضاع

عنوان اوّل: ازدواج های محرّم غیر دائمی

حرمت ازدواج مطرح شده در حدیث شریف «یحرم من الرضاع...» تنها شامل ازدواج های محرّم دائمی مانند ازدواج با مادر یا خواهر و... نمی شود تا روابط رضاعی محدود به آن گردد؛ بلکه اطلاق آن شامل ازدواج های محرّم غیردائمی نیز می گردد. مانند ازدواج با خواهر زن که حرمت آن موقت به هم زمانی ازدواج با هر دو آنها است. بنابراین ازدواج هم زمان با خواهر رضاعی همسر، حرام و ممنوع است. این مطلب علاوه بر آن از اطلاق این حدیث مستفاد است، مؤید به دلیل خاص از جمله صحیحه ابی عبیده الحداء است:

مَحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ

۱. جواهر الكلام ج ۲۴ ص ۱۴۲

علامه حلی، تذکرة الفقهاء ج ۲ ص ۳۰۸ چاپ جدید

شیخ یوسف بحرانی، الحدائق الناظرة ج ۲۳ ص ۳۱۷

محقق احمد نراقی، مستند الشیعه ج ۱۶ ص ۲۷۶

الشهید الثاني، شرح اللمعة ج ۳ ص ۳۰۴

الشهید الثاني، مسالك الافهام ج ۱۰ ص ۳۴۹

شیخ طوسی، المبسوط ج ۵ ص ۲۹۱

مستند و حدود قاعده رضاع □ ۱۷

عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ
سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ لَا تُنْكَحُ الْمَرْأَةُ عَلَى عَمَّتِهَا وَلَا
عَلَى خَالَتِهَا وَلَا عَلَى أُخْتِهَا مِنَ الرِّضَاعَةِ.^۱

این روایت به صراحت ازدواج با خواهر زن رضاعی را ممنوع و حرام اعلام می نماید که دلیل بر توسعه حرمت رضاعی در حدیث مذکور است.^۲

عنوان دوم: علت تامه نبودن نسب در حرمت ازدواج

اطلاق تنزیل حدیث شریف در رابطه با رضاع منحصر به مواردی که «نسب» موجب تام در حرمت نکاح است، نمی باشد و شامل مواردی که نسب به عنوان جزئی از عامل حرمت محسوب است هم می شود. به دیگر سخن محرم نسبی در حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرِّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» اعم از نسبی که علت تامه و نسبی که جزء علت در حرمت نکاح است، می باشد. با تبیین این موضوع نقش و تأثیر رضاع در مصاهره هم روشن می گردد. توضیح بیشتر آن که موجبات حرمت و بطلان نکاح در شریعت اسلام به قرار زیر است:

بند اول: موجبات تامه و بسیط^۳

۱. نسب: رابطه نسبی بین مرد و زن یکی از اسباب حرمت نکاح است مانند ازدواج با مادر، خواهر، دختر، دخترخواهر، دختر برادر، عمه، خاله.^۴

۱. وسائل الشیعة ج ۲۰ ص ۴۰۲

۲. احکام الرضاع فی فقه الشیعه ص ۲۸

۳. در رابطه با این تقسیم بندی رجوع شود:

احکام الرضاع فی فقه الشیعه ص ۲۱

محمد جعفر جعفری لنگرودی، حقوق خانواده ص ۳۷

۴. آیه ۲۳ نساء

۲. رضاع: رابطه رضاعی بین مرد و زن، دیگر سبب حرمت نکاح است مانند ازدواج با مادر رضاعی، خواهر رضاعی، دختر رضاعی.....
۳. سبب: منظور از سبب، عاملی به غیر از نسب و رضاع در حرمت نکاح است؛ مانند عده در زن مطلقه یا سه طلاق شدن زن از سوی شوهر خود یا شوهردار بودن زن و.....

بند دوم: موجبات مرکب

در این قسم از موجبات حرمت نکاح، نسب یا رضاع همراه عامل دیگری سبب تحریم نکاح است مانند:

۱. نسب و مصاهره: ازدواج زوج با مادر زن حرام و ممنوع است عامل این حرمت دو چیز است یکی رابطه نسبی (رابطه اموت بین زوجه و مادر او) و دیگری رابطه زوجیت (بین آن مرد و دختر آن زن)، در این صورت نسب جزئی از عامل تحریم نکاح محسوب است. حال اگر چنین مواردی هم مشمول حدیث شریف باشد می توان به حسب تنزیل موجود نتیجه گرفت که ازدواج با مادر رضاعی زوجه هم حرام است. یا همان طور که ازدواج با دختر نسبی زوجه با وجود شرایط آن حرام است ازدواج با دختر رضاعی زوجه هم ممنوع است.

۲. نسب و عمل نامشروع: اگر کسی با زنی رابطه نامشروع (زنا) داشته باشد، ازدواجش با مادر یا دختر نسبی آن زن حرام است. در این جا دو چیز موجب حرمت ازدواج گردیده: یکی رابطه نسبی (اموت) بین آن دو زن و دیگری عمل نامشروع با مادر آن دختر. وقتی نسب در این مورد می تواند تأثیر در حرمت نکاح داشته باشد، بنابر اطلاق تنزیل حدیث شریف رابطه رضاعی هم در همین مورد جزئی از موجب نشر حرمت نکاح است.

این نتیجه و تحلیل نه تنها موافق با مبانی اصولی است^۱ بلکه مورد تایید روایات معصومین (علیهم السلام) هم است.

سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنِ
مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ (أَبِي جَعْفَرٍ) فِي رَجُلٍ فَجَرَ بِامْرَأَةٍ
أَيَّتَزَوَّجُ أُمَّهَا مِنَ الرَّضَاعِ أَوْ ابْنَتَهَا قَالَ لَا.^۲

در این حدیث شریف رابطه رضاعی به عنوان جانشین رابطه نسبی که جزئی از عامل نشر حرمت نکاح است، بیان شده است. لازم به ذکر است استناد به این حدیث در این مورد به عنوان موید مبتنی بر این پیش فرض فقهی است که در حالت نسب، زنا موجب حرمت ازدواج زانی با مادر نسبی مزنی بها است تا در معادل رضاعی آن هم همین حکم جاری گردد. در این صورت سؤال محمد بن مسلم از امام در خصوص حرمت نکاح با مادر رضاعی بیانگر وضوح حرمت نکاح با مادر نسبی است. در واقع این پرسش، سؤال از محدوده حدیث شریف تنزیل رضاع است که آیا شامل این مورد نیز می گردد یا نه؟ اما چنانچه این موضوع فقهی در حالت نسب ثابت نباشد به طریق اولی در حالت رضاع این حرمت به حدیث شریف «ما یحرم...» ثابت نیست در این صورت حدیث مذکور نمی تواند به عنوان موید این نظریه قرار گیرد.^۳

۱. کتاب النکاح ص ۲۸۶

الحدائق الناظره ج ۲۳ ص ۴۱۱

جواهر الکلام ج ۲۹ ص ۳۰۹

۲. وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۲۷

۳. محقق یزدی این مطلب فقهی را این گونه بیان می نماید: «اذا كان الزنا سابقا على التزويج فان كان بالعمه او الخاله يوجب حرمة بنتيهما و ان كان بغيرهما ففيه خلاف و الاحوط التحريم.»

منشاء اختلاف مذکور در این فرع فقهی روایات متفاوتی است که در مورد نقل گردیده که می توان از روایات دال بر جواز نکاح از صحیح هاشم بن المثنی نام برد. «وَعَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ هِشَامِ بْنِ

۲۰ □ محدوده تاثیر رضاع در حرمت نکاح

محققین نامدار^۱ در عرصه فقه با چنین تحلیلی یعنی شمول قاعده رضاع نسبت به نسب غیر تام، موافقت نموده‌اند. مثلاً فقیه سترگ علامه شیخ مرتضی انصاری تحقیق جامعی در این زمینه دارد.^۲ ایشان به بررسی موارد

الْمُنْتَهَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَرْأَةَ حَرَامًا أَيْتَرُوجُّهَا قَالَ نَعَمْ وَأُمُّهَا وَابْنَتُهُ.» (وسائل الشیعة ج ۲۰ ص ۴۲۵) در این تعارض بعضی از فقها، (جواهر الکلام، ج ۲۹، ۳۷۲) جانب حرمت نکاح را تقویت و بعضی دیگر جانب جواز را تقویت نموده‌اند و این‌گونه بیان داشته‌اند: «وبالجملة: فالمتمصل مما تقدم ان الاختيار الواردة في المقام متعارضة بنماد معنى الكلمة.... إذن فلا بد من الرجوع إلى ما تقتضيه قواعد الترجيح، وقد عرفت في طيات البحث إن مقتضاها ترجيح نصوص الجواز نظراً لموافقتهما للكتاب. ومع النزول عن ذلك فمقتضى القواعد هو التساقط و يكون المرجح حينئذ هو عمومات الحل إذ لم يثبت لها مخصص.» سید محمد تقی خوئی، المبانی فی شرح العروه الوثقی ج ۳۲ ص ۳۱۵ و سید محسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی ج ۱۴ ص ۲۱۲

۱. جواهر الکلام ج ۲۹ ص ۳۰۹

الحدائق الناظره ج ۲۳ ص ۴۱۱

احکام الرضاع فی فقه الشیعه ص ۲۸

جامع المدارک ج ۴ ص ۱۸۰

سید محمد صادق حسینی روحانی، فقه الصادق ج ۱۲ ص ۳۴۷

۲. از آن جا که تحلیل شیخ انصاری حاوی نکات ارزشمند فقهی است، ضروری است عبارات ایشان در این رابطه بیان گردد. «ملخص الکلام أنه لما كانت المصاهرة عبارة عن علاقة تحدث بين كل من الزوجين وأقارب الآخر، توقف وجودها على أمرين: ثبوت معنى (يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب). الزوجية بين الرجل والمرأة، وثبوت القرابة والنسب بين شخص وبين أحدهما، فكما يمكن استناد التحريم إلى المصاهرة الحاصلة بين المحرم والمحرم عليه من مجموع ذينك الأمرين، فكذلك يمكن استناده إلى الأمر الأول من الأمرين، بأن يقال: إنه تحريم أم الزوجة على الزوج من جهة زوجية بنتها له، وكذلك يمكن استناده إلى الأمر الثاني، فيقال: إنه تحريم أم الزوجة على الزوج لاجل نسب بينها وبين زوجته، ولا يوجب ذلك عدها في المحرمات النسبية، من جهة قصرها على ما استند فيه التحريم إلى النسب الحاصل بين المحرم والمحرم عليه. قبالة للمصاهرة الاصلية بينهما. إذا عرفت ذلك، فدخل الرضاع في المصاهرة، إما بقيامه مقام الأمر الأول من الأمرين المذكورين، مع بقاء الأمر الثاني بحاله، كالام النسبية للام الرضاعية للولد، النازلة منزلة الزوجة، وإما بقيامه مقام الأمر الثاني منهما، كالام الرضاعية للزوجة الحقيقية.

عامل مرگب در حرمت نکاح یعنی نسب و مصاهره می پردازد و می فرماید:
«مصاهره عبارت است از علاقه‌ای که بین زوجین و اقارب دیگر ایجاد می‌شود. بنابراین حرمت ناشی در چنین موردی مانند حرمت نکاح با مادر زن متوقف بر دو عامل است یکی زوجیت بین مرد و زن (مصاهره) و دیگر ثبوت قرابت (امومه) بین زوجه و زنی که مادر او است.

با تبیین این مطلب، نقش رضاع در قبال مصاهره هم روشن می‌گردد. زیرا رضاع یا قائم مقام عامل اول (مصاهره) با حفظ عامل دوم (نسب) است در این حالت تردیدی در عدم نشر حرمت وجود ندارد؛ زیرا ادله تنزیل تنها در مقام تنزیل رضاع به نسب هستند نه تنزیل رضاع به مصاهره، در حالی که در فرض ما نسب محرز است فقط نکاح منتفی است. مانند جواز ازدواج پدر مرتضع با مادر نسبی مرضعه چون در این مورد مادر رضاعی مرتضع در اثر رضاع به منزله زوجه پدر مرتضع نیست تا ازدواج مادر او با پددر مرتضع حرام گردد و دلیلی بر اثبات چنین تنزیلی وجود ندارد.

یا رضاع قائم مقام عامل دوم (نسب) با حفظ عامل اول (مصاهره) است در

ففي الاول: لا مجال لتوهم نشر التحريم بالرضاع، إلا إذا دل دليل خاص عليه، لأن حاصل أدلة النشر بالرضاع إلحاقه بالنسب، وجعل كل عنوان حاصل بالرضاع في حكم ذلك العنوان الاصل بالنسب، ومعلوم أنه لم ينتف هنا إلا الزوجية، ولم يدل دليل النشر على تنزيل مرضعة الولد مقام الزوجة .
وفي الثاني: لا ينبغي التأمل في التحريم، لأنه إذا الحق العنوان الرضاعي بالعنوان النسبي في التحريم، واقیم الرضاع مقام النسب في إناطة التحريم به، فلا شك [في أنه] تكون الام الرضاعية للزوجة بمنزلة الام النسبية لها . ولعل منشأ توهم عدم استفادة تحريم مثل هذا من الحديث المذكور توهم كون المراد بلفظ (النسب) فيه، النسب الحاصل بين المحرم والمحرّم عليه، على حد قولهم: (سبب التحريم إما نسب، أو رضاع، أو مصاهرة)، وهذا خبط فاسد، فإنه تقييد للمطلق من غير دليل، بل المراد منه هو مطلق النسب الموجب للتحريم سواء كان بين نفس المحرم والمحرّم عليه، أم بين أحدهما وزوج الآخر، أو غيره، مثل المزنى بها والغلام الموطوء والملموسة. ومن هنا يضح التمسك بهذا الحديث في تحريم مرضعة الغلام الموقب واخسه وبنته الرضاعيتين على الموقب، وإلا فأى نسب بينها وبين الموقب؟» كتاب النكاح ص ۲۸۶ به بعد

این حالت هم نباید در نشر حرمت تردیدی نمود. مانند بطلان ازدواج زوج با مادر رضاعی زوجه زیرا وقتی بنا بر ادله تنزیل، رضاع جانشین نسب در تحریم است بی‌شک در این مورد هم مادر رضاعی زوجه جانشین مادر نسبی او است و چون اصل زوجیت محرز است و رضاع قائم مقام نسب گردیده، نباید در نشر حرمت کوچکترین تردیدی نمود مگر گفته شود نسب مذکور در حدیث شریف (يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ) ناظر به نسب حاصل بین محرم و محرم علیه است که این ادعایی بدون دلیل و تقیید دلیل مطلق بدون هیچ مقید معتبری است. در نتیجه نسب موجب تحریم در حدیث شریف اعم از نسب بین محرم و محرم علیه و یا بین یکی از آنها و شخص دیگر است.

بنابراین در دیگر عوامل مرکب تحریم نکاح به غیر از مصاهره هم همین مطلب جاری است مانند حرمت نکاح با مادر یا خواهر یا دختر رضاعی غلام موقب، در این مورد هم رابطه نسبی بین محرم و محرم علیه وجود ندارد ولی با این وجود ازدواج با مادر چنین شخصی حرام و ممنوع است.»

با این توضیحات روشن شد دلیلی وجود ندارد که نیابت رضاع از نسب را منحصر در موردی بدانیم که نسب علت تامه حرمت باشد و عامل دیگری در آن نقشی نداشته باشد. با این وجود بعضی از محققین^۱ با پذیرش نظر

۱. محقق نراقی از جمله فقهای است که اعتقاد دارد نسب در روایت ناظر به نسبی است که علت تامه حرمت نکاح است و در این رابطه چنین می‌فرماید:

«إن الام الرضاعية للزوجة الحقيقية محرمة... ويستدل عليه تارة بالإجماع . واخرى بالنصوص المذكورة . وثالثة: بقوله: «يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب»... أقول: أما الإجماع فمع ثبوتها - كما هو الظاهر - فلا كلام فيه . وأما سائر الأدلة ففي تماميتها نظر: أما الأول، فلأن النصوص مخصوصة بام الزوجة، فالتعدى إلى سائر الموارد يتوقف على الدليل، إلا أن يتعدى بالإجماع المركب، ولا بأس به. وأما الثاني، فلأن مدلول الرواية: أنه يحرم بالرضاع ما يحرم من جهة النسب، وظاهره كون النسب علة تامه» المستند ج ۱۶ ص ۲۷۹.

مخالف معتقدند، اگر اجماع فقهاء در رابطه با حرمت نکاح با مادر رضاعی زوجه نبود، نباید حکم به حرمت این نکاح داده می‌شد زیرا حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» ظهور در علت تامه بودن نسب دارد. البته این مطلب با وجود اطلاق و گستره دلیل تنزیل و تأیید روایی و فتوایی ادعایی غیر قابل پذیرش است.^۱

این مسئله در آثار حقوقی هم مورد توجه قرار گرفته است چنانچه بعضی از حقوق‌دانان در این رابطه نوشته‌اند: «نسب گاه به تنهایی عامل تحریم نکاح نمی‌شود، بلکه به‌همراه عامل دیگر موجب حرمت نکاح می‌باشد. مثال: بند یک ماده ۱۰۴۷ ق.م.نکاح مرد با مادر زن را منع کرده است. در این جا دو عامل با هم جمع شده و به‌صورت مانع نکاح مرد با مادر زن در آمده است: الف. نکاح جائز و قانونی با یک زن (این نکاح سبب است) ب. وجود نسب بین زوجه و مادرش.

آیا قاعده تنزیل شامل این مثال و امثال آن هم هست یا فقط ناظر به موارد مذکور در ماده ۱۰۴۵ ق.م.نکاح است که قرابت نسبی به‌عنوان عامل منحصر ایجادکننده، مانع نکاح مورد نظر بوده است؟

شیخ انصاری در پاسخ و رد نظر استادش می‌فرماید: «فلا يتوهم أن تحريم أم الزوجة من جهة المصاهرة، فينبغي أن لا تحرم من جهة الرضاع. توضيح الدفع: أن معنى هذه القضية السلبية - وهي (أن المحرم من جهة المصاهرة لا يحرم من جهة الرضاع) على قياس تلك القضية الموجبة - هو: أن الرضاع لا يقوم مقام المصاهرة ولا ينزل منزلتها، فإذا أرضعت ولدك امرأة فلا تحرم عليك امها من حيث إنها جدة ولدك لأمه الرضاعية، من جهة أن جدة الولد لأمه بما تحرم على الأب لاجل نسب بينها وبين زوجته، ولا شك أن الزوجية هنا منتفية، ومجرد إرضاع ولد الرجل لا يصير المرضعة في حكم الزوجة، لما عرفت من أن الرضاع لا يقوم مقام المصاهرة. وأما أم الزوجة المرضعة لها - في المثال الذي قدمناه - فإنما قامت مقام امها الوالدة لها، فقد قام الرضاع مقام النسب، لا مقام المصاهرة، لان زوجية الزوجة ثابتة بنفسها لم يبدل بالرضاع، وانما المبدل به النسب الحاصل بين الام والزوجة» كتاب النكاح ص ۲۸۶

۱. برای بررسی دیگر انتقادات بر این نظریه و پاسخ آنها رجوع شود: فقه الصادق ج ۱۲ ص ۳۴۷

۲۴ □ محدوده تاثیر رضاع در حرمت نکاح

ماده ۱۰۴۶ ق.م.نمی تواند شامل مثال مورد بحث و امثال آن باشد، لکن این نقص را ماده ۱۰۴۷ ق.م.جبران کرده است یعنی تصریح به شمول آن نسبت به مثال آن کرده است و اشکال از این حیث وجود ندارد.^۱

۱. محمد جعفر جعفری لنگرودی، حقوق خانواده ص ۴۷
سید حسین صفایی و اسدالله امامی، حقوق خانواده ج ۲ ص ۲۱

فصل دوم: آراء فقهی در تأثیر رضاع

مبحث اول: در آمد

بعد از بیان نکات فوق پیرامون حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» ضروری است به مسئله اصلی این نوشتار پرداخته شود. همان‌طور که سابقاً گذشت در حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ»، رضاع قائم مقام نسب در تمامی احکام مترتب بر آن گشته. به‌طوری‌که اگر در نسب در رابطه با موردی حکم به حرمت نکاح باشد در معادل رضاعی آن هم حکم به حرمت و ممنوعیت نکاح است. سؤال اصلی این است که محدوده این قائم مقامی تا به کجا است؟ آیا در تمامی مواردی که در رابطه نسبی نکاح باطل است در رابطه رضاعی معادل آن هم ازدواج حرام و باطل است؟ یا می‌توان برای آن محدودیتی در نظر گرفت، به‌طوری‌که موردی باشد از نظر نسبی ازدواج حرام باشد اما در معادل رضاعی آن ازدواج دارای مشکل و ممنوعیتی نباشد. پاسخ به این سؤال در این مسئله نهفته است که آیا تنزیل رضاع به نسب در حدیث شریف «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» ناظر به عناوین